

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیین

الظاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

عرض شد که البته اینها مسائل را که ما بیشتر برای اینکه مثلاً مطالبی گفته شده راههایی رفتند مطالبی مطرح شده از جهت این جهت و جهت اینکه آن ریزه کاریها و راز و رمز قصه هم بهتر معلوم بشود می خوانیم . یک راه کشف حکمی را هم مرحوم آقای نائینی نقل می کند از استادشان مرحوم آقای شیخ محمد باقر اصفهانی رضوان الله تعالی علیه بعد می فرماید :

کون الکشف الحکمی مطابقاً للقاعدة، و سریانة فی أغلب أبواب الفقه، و این سریان دارد بعد ایشان این طور و حاصلش این که : کل ما یکون موضوعاً لحکم من الأحکام بتوسط الأمر المتأخر والعنوان اللاحق به توسط یک امری که متاخر باشد عنوان که خوب غیر از امر است آنجا به امر خارجی اش است ، بحیث کان الأمر السابق آن وقت این معیار را این می گیرد که امر سابق بمنزلة المادة هیولائیة به منزله یس مادهی هیولائیة باشد والعنوان المتأخر بمنزلة الصورة النوعية به منزله صورت نوعی باشد به صورت انسانیت یا حیوانیت فمقتضى القاعدة ترتیب آثار الموضوع من أول تحققه. یعنی مقتضای قاعده باید آثار را از همان وقت ماده در نظر گرفت نه در وقت صورت .

مثلاً: أخذ عنوان فاضل المؤمنة موضوع الخمس، وذاته يتحقق أول زمان ظهور الربح، این از اول زمان ظهور ربح این فاضل المؤمنة ذکر می کند ، مثلاً من امروز یک وارد بازار شدم معامله ای کردم ربی برده ام این اول زمان ظهور ربح این به اصطلاح برای زمان خمس است ولكن اتصافه بعنوان فاضل المؤمنة اما از اول که فاضل المؤمنة هست اما اول زمان ظهور ربح است لكن به عنوان فاضل المؤمنة بعد انقضاء السنة. بعد از انقضاء یک سال این دیگر اتصافش می شود و الا ظهورش از همان وقت است . وهكذا .

این مطلبی که ایشان فرمودند را هو اعلم بما قال رحمه الله ، چون در عبارات علمای ما عنوان ارباح مکاسب آمده شاید از این جهت که اول ظهور ربح این می شود فاضل المؤمنة چون ایشان می گوید فاضل المؤمنة موضوع وذاته يتحقق أول زمان ظهور الربح . عرض کردیم آن که ما در قرآن داریم عنوان غنیمت است ، عنوان ارباح و ربح در عبارات فقهاء آمده است و الا آن که در قرآن است فاعلموا انما غنمتم من شیء .

و عرض شد به اینکه در آیاتی که در مالیات است امور مالیه در قرآن دو تا داریم ، چند تا عنوان است عنوان انفال داریم ، عنوان فیء داریم ، عنوان صدقات داریم ، عنوان زکات داریم عناوین متعدد داریم آن که به درد ما نحن فیه می خورد یکی اش عنوان اموال است خذ من اموالهم ، یکی اش هم عنوان غنیمت است فان لله خمس که عنوان فاعلموا انما غنمتم من شیء فان لله آن عنوان غنیمت است .

عرض کردیم طبق قاعده این طور است اموال به حساب دارایی است امروز اصطلاحا ، زکات که خذ من اموالهم صدقه مالیات بر دارایی است و لذا زکات تکرار می شود مثلا شما یک خانه ای دارید می گویند چون شما یک خانه ای دارید ۲۰۰ متر باید سالی این قدر ، امسال مثلا این قدر مالیات بدهید ، سال بعدی یا کمش می کنند یا زیادش می کنند ، چون این روی عنوان دارایی است شما خانه را دارید هنوز مادام خانه را دارید باید زکاتش را بدهید مثل غنم ، ۶۰ تا گوسفند دارید سال اول خوب ۴۰ داشتید یکی اش را می دهید از ۴۰ تا ، سال دوم هم از ۴۰ تا بیشتر است باز یکی اش را می دهید سال سوم هم ۴۰ تا بیشتر است یکی اش را می دهید و هلم جری ، مادام ۴۰ تا گوسفند دارید باید هر سال آن زکات داده بشود .

اما خمس مالیات بر درآمد است یکی مالیات بر دارایی است یکی مالیات بر درآمد است ، مالیات بر درآمد یکبار است مثل این افرادی هستند کارمند در ادارات به حساب مثلا یک برایشان ماهانه قرار می دهند ، همان اول ماه به حساب که برایشان ماهانه شان را می ریزند یک چیزی به عنوان مالیات برمی دارند ، این مالیات بر درآمد است دیگر ماه بعد دیگر بر نمی دارند دیگر سال بعد بر نمی دارند درآمد یک بار است ، درآمد یک بار است اما دارایی مکرر است .

آن وقت خمس خیلی عجیب است ها خمس مالیات بر درآمد است ، زکات مالیات بر دارایی است دو سنخ مالیات است یکی بر درآمد یکی بر دارایی ، آن که بر ، لذا الخمس لا یخمس هم نکته اش این است در باب خمس اگر شما خمس دادید درآمد دیگر بعد از یکسال درآمد برش صدق نمی کند صدق درآمد برش نمی کند بعد از دو سال سه سال دیگر صدق درآمد برش نمی کند لذا آن خمس ندارد اما دارایی می کند و لذا مالیات بر دارایی را هر سال می گیرند اما مالیات بر درآمد را همان یکبار اول که می خواهند درآمد را وارد حساب شخص بکنند مالیات بر درآمد را آن وقت از او می گیرند . این راجع به اصل این مطلبی که هست .

اما عرض کردیم که ظاهر آیه ی مبارکه فاعلموا انما غنمتم عنوانی که هست غنیمت است عبارت ربح را ما داریم اما ربح غیر از غنیمت است به نظر ما عنوان ربح و غنیمت فرق می کند این هم که بعضی ها چیزهای دیگری نوشتند دیگر حالا این هو اعلم بما قالوا نمی خواهم وارد نوشته ها بشوم دقت کنید .

غنیمت ربح نیست البته خودش این مطلب یک مطلبی است دیگری از مطالب مهمی که امروز در مسائل دارایی و مالیات و اینها مطرح است فرض کنید می‌دانند شما این فرش را خریدید به ۱۱۰ هزار تومان فروختید ۱۲۰ هزار تومان آیا بایند مالیات روی ۱۲ تومان از شما بگیرند یا مالیات را همان ۲۰ تومان اضافه بگیرند یا اصلاً نگیرند، یا مالیات را مثلاً ۲۰ تومان شما سود داشتید یک مقدارش حذف، مثلاً پنج تومانش هیچ ۱۵ تومان مالیاتش را بدهید.

این که الان هست در قوانین خیلی‌ها عنوان مالیات را بر درآمد از ربح می‌گیرند، چه مقدار شما سود پیدا کردید یک مقدارش را به حساب دولت می‌گیرد مثل ارزش افزوده حالا اینها که در ارزش افزوده که مطلق می‌گیرند حالا ارزشی هم نبود.

یک وقتی ماشین یکی از این بچه‌ها را یک جایی نگه داشته بود خلاف قانون بود برده بودند مثلاً پارکینگ نوشته بودند جریمه‌ی ماشین ۴۰۰۰/۰۰۰ تومان ارزش افزوده ۴۰۰۰ تومان ده درصدش، حالا این ارزش افزوده‌ی جریمه است، بحث خرید و فروش، اصلاً نوشته بود من دیدم نوشته است، ارزش افزوده ۴۰۰۰ تومان یا ۳۰۰۰ تومان آن وقت ۹ درصد بود. علی‌ای حال اینها که در ارزش افزوده حساب دیگری اضافه است.

در لغت عربی الان به این می‌گویند فائض القيمة فائض با ف، الف، همزه و ضاد اخت الصاد یعنی زیادی فائض القيمة را اصطلاحاً ما به فارسی می‌گوییم ارزش افزوده این اصطلاح است چون اگر این کتاب‌های اقتصاد فعلی را نگاه بکنید همین کتاب‌های اقتصادی که عرب‌ها می‌نویسند فائض القيمة می‌نویسند فائض القيمة مرادشان همین ارزش افزوده است دقت فرمودید؟

پس بنابراین آن وقت غنیمت این است که در روایت آمده الخمس بعد المؤونة در روایت امام جواد سلام الله علیه احتمالاً این بعد المؤونة قیدی برای حکم نیست بیان برای موضوع است نه قید برای حکم یعنی اصولاً فرق است بین ربح و بین غنیمت ربح آن پول اضافی است که انسان گیرش می‌آید اما غنیمت نیست، غنیمت یعنی آنچه که به عنوان ربح که امروزه اصولاً به اصطلاح مالیات را بر اساس ربح می‌گیرند آنچه که به عنوان ربح مطرح است این کانما در شریعت مقدسه به دو قسم تقسیم می‌شود یک قسمت از ربح صرف مؤونه‌ی زندگی می‌شود هزینه‌ی زندگی، ربح هست اما فرض کنید مثلاً دو روز سه روز در راه بوده تا رفته و آمده این سود را گیر آورده خوب این دو روزه غذا خورده زندگی کرده اموال خرج کرده آن مؤونه‌ی زندگی و هزینه را برمی‌دارند، غنیمت آن مقداری از ربح است که در مقابلش چیزی نیست، آن مقداری از ربح که در مقابل هزینه قرار می‌گیرد غنیمت نیست، سود هست، روشن شد؟ پس عنوان غنیمت اصولاً مقداری از ربح است که در مقابلش چیزی نیست و سر اینکه اصولاً اموال جمع می‌شود برای همان است.

شاید آن روایت که می گوید ان الله تفضل علیکم بالخمس اشاره به همین باشد ، چون یک اوائل حالا این را در ایرانی ها خیلی مطرح نبود نمی دانم چرا ، در حزب کمونیست که در کشورهای عربی مطرح شد شعار معروف کمونیست ها این بود لکن ما در فارسی این طور ندیدم من کل حسب طاقته و لكل حسب حاجته یعنی هر انسانی به مقدار نیروی خودش باید کار بکند اما آن مقداری که مصرف کرد برای خودش بقیه برای جامعه است باید داده بشود به جامعه باز خدا رحم کرد خمس گرفتند شریعت مقدسه تفضل علیکم بالخمس آن مقدار ، دقت کردید ؟ من کل حسب طاقته یعنی هر انسانی حسب نیرویی که دارد باید کار بکند ، درآمدی که شد یک مقداری از آن درآمد را که احتیاج دارد برای خودش بقیه را باید برگرداند به دولت برگردد به جامعه این حق جامعه است چون این بقیه را در جامعه به دست آورده است.

فرض کنید این آقا رفته زحمت کشیده کتابی را خریده ۱۰۰ تومان چهار ، پنج روز هم زحمت کشیده فروخته ۱۲۰ تومان ، ۲۰ تومان گیرش آمده اما مؤونه ی زندگی اش در این سه ، چهار روز ۱۲ تومان بوده این ۱۲ تومان خوب خرج کرده دیگر خورده آن هیچ ، آن که منشاء جمع آوری می شود آن ۸ تومان است ، این ۸ تومان را می گویند این برای حق جامعه است اگر مردم نبود در جامعه نبود در مجتمع نبود که گیرش نمی آمد این ۸ تومان ، پس این ۸ تومان را باید بدهیم به جامعه ، من کل حسب طاقته و لكل حسب حاجته این را من در فارسی ندیدم نمی دانم ایرانی ها

یکی از حضار : شعار کمونیست بود ؟

آیت الله مددی : می دانم بله شعار کمونیست در ایرانی ها خیلی مطرح نبود من ندیدم یا من اشتباه کردم دیدید شما در این شعار کمونیست .

یکی از حضار : اینکه مردم این کلا شعار کمونیست ها بوده ولی به این عبارت نبود

آیت الله مددی : می گویم من به این عبارت ندیدم اما در کشورهای عربی خیلی معروف بود اما به این شعار من در فارسی ندیدم دقت می کنید ؟ اما آنها در کشورهای عربی خیلی این شعار معروف بود من کل حسب طاقته چقدر نیرو دارد باید زحمت بکشد و لكل حسب حاجته چقدر بردارد آن مقدار که احتیاج دارد بقیه اش برای جامعه است باید بدهیم به دولت باید بدهیم به جامعه دقت کردید ؟

ان الله تفضل علیکم بالخمس روشن می شود ، این را سنی ها هم دارند از ابوبکر نقل شده است . در شیعه هم داریم از امیرالمؤمنین به نظرم که یک مالی مشتبّه پیدا کرد و اینها اشتبه فرمود که ان الله تفضل علیکم بالخمس ، این را داریم ما ، در اهل سنت هم یک مالی مشتبّه

بوده بین حلال و اینها ابو بکر می گوید یودی خمره خمسش را بده ان الله تفضل علیکم بالخمس آن هم داریم از ابو بکر هم به نظرم در کنز العمال من از ابو بکر دیدم به نظرم می آید از ابو بکر

یکی از حضار: تفضل یعنی چه ؟

آیت الله مددی: یعنی شکر خدا بکنید کمونیست ها بودند همه را می گرفتند همه ی ۸ تا را می گرفتند خدا را شکر کنید خمسش را بدهید یکی از حضار: یعنی یک فضیلتی به شما داده

آیت الله مددی: ها یعنی زیادی به شما محبت کرده که خمس را گرفته و الا باید ۸ تا را می گرفت و الا اگر دست کمونیست ها بود روشن شد ؟ کمونیست ها می گویند تو ۱۲ تا احتیاج داشتی تمام شد ۸ تا برای جامعه است .

یعنی این ۸ تا بر اثر جامعه پیدا شد چون خرید و فروش شد در جامعه بود پس این ۸ تا را باید به جامعه بدهی ، می گفت خدا لطف کرد گفت نه یک پنجمش ۱۶۰۰ تومان و نه ۸ هزار تومان ، ۱۶۰۰ تومانی که خمس است آن را بدهید به جامعه روشن شد ، فاعلموا ان لله خمره این خمس لله این یک تفضل الهی به شما بود که خمس گرفت و الا اگر گوش نکنید آن آقایان دیگر می آیند همه را از شما می گیرند دقت کردید ، به جای خمس ما در ، ما آمدیم گفتیم آقا ۱۶۰۰ ، خمس ۸ تومان ۱۶۰۰ می شود آنها آمدند ۸ تومان را گرفتند کل ۸ تومان ، تفضل علیکم بالخمس .

پس اینکه ایشان نوشته فاضل المؤمنة ، فاضل المؤمنة ربح نیست اگر می گوید اول زمان ظهور ربح ، حالا یا نائینی یا این مقرر اشتباه کرده یا مرحوم نائینی یا آن آقای خود اصلی مرحوم آقای شیخ محمد باقر اصفهانی اول زمان ظهور ربح فاضل المؤمنة صدق نمی کند ، ملتفت شدید چه می خواهم بگویم ؟ می گوید اول زمان ظهور ، وذاته يتحقق أول زمان ظهور الربح ، اول زمان ظهور ربح نیست فاضل المؤمنة ، فاضل المؤمنة بعد از اینکه ربح آمد مؤونه اش را خرج کرد فرض کنید گنجی بوده مقداری که برای گنج خرج کرده می گذارد کنار آن خمس دارد دقت کردید ؟

و اینکه بعضی ها خیال کردند مثلا گنج مثلا مازاد بر مؤونه نیست نه آن مؤونه استخراج گنج است ، مساله ی ارباح را بعد هم چون جامعه ی کشاورزی بود در آن زمان مجتمع کشاورزی بود در جامعه ی کشاورزی بودجه و هزینه را بر اساس سال می بستند شاید هم بعضی هایتان هنوز در دهات رفته باشید مثلا می رفت حمام می گفت وقت درو گندم می دهم پول حمام را ، وعده ی سر خرمن این سر خرمن سرش این بود تمام ، حتی دارد که وقتی مثلا گندم می آوردند در مدینه یا از خیبر می آوردند پیغمبر مؤونه ی سال زن ها را روی حساب روزی

یک مد یا دو مد حالا یک مد کنار می گذاشت یعنی ۳۶۰ مد برای هر خانمی کنار می گذاشت از همان وقتی که اول گندم بود تنظیم بودجه را روی سال می کردند دقت شد ؟ چون سال کشاورزی بود چون محصول کشاورزی سال بود ، آن وقت به سال شمسی هم بهتر می خورد . اما الان خوب بودجه ها غالباً روی ماهانه است دیگر ماهانه حساب می کنند و الا عرض کردیم ما حتی روزانه من در نجف یکی از آقایان بود خدا رحمتش کند آدم خوبی هم بود به هر حال خیلی با صفا بود شب به شب ، خیلی هم دکان کوچکی داشت یک دکان خیلی مختصری داشت شب به شب خممش را می داد همان شب دخلش را حساب می کرد امروز چقدر درآمد دارد هر روز خمس می داد ، دیگر این سال نمی خواست دیگر کسی که هر شب خممش را می دهد دیگر سال نمی خواهد داشته باشد دیگر هر چه بود تا آخر سال ، چون یک بار است خمس عرض کردم یک بار است .

علی ای حال این تعبیر ایشان اول زمان ظهور ربح ایشان غنیمت را ربح گرفته ظاهراً فاضل المؤمنه نه ، اول زمان ظهور نه وقتی ظهور شد مؤونه اش را که کنار گذاشت آن وقت می شود غنیمت آن فاضل المؤمنه است نه خود ربح آن مقداری از ربح که در مقابلش کار کرده آن به اصطلاح جزو ربح هست اما غنیمت نیست .

یکی از حضار : سود خالص باید باشد .

آیت الله مددی : ها آن سودی که در مقابل چیزی ندارد ، و لذا گفت الخمس بعد المؤمنه این الخمس بعد المؤمنه روشن شد چه می خواهم بگویم ؟

یکی از حضار : شاید این می خواهد بگوید این فاضل المؤمنه در این هستش بعداً اسمش می شود فاضل المؤمنه

آیت الله مددی : نه دیگر می گوید من اول ظهور ربح فاضل المؤمنه اول ظهور ربح که فاضل المؤمنه نیست که روشن شد ؟ فاضل زیادی مؤونه این ظهور ربح است ، این باید مؤونه اش را بدهد الان فرض کن این کتاب را گرفته ۱۰۰ تومان فروخته دو روز طول کشیده خوب در این دو روز زندگی کرده اول زمان ظهور ربح نیست آن ربح را مقداری را که در مقال آن خرج کرده کار کرده آن را بگذارد کنار آن مقدار را که گذاشت کنار آن وقت می شود فاضل المؤمنه پس عنوان فاضل المؤمنه صدقش بعد از اخراج ، الخمس بعد المؤمنه این بیان موضوع است نه بیان حکم است نه اینکه شما ربح را به ربحتان خمس تعلق گرفت لکن بعد از مؤونه حساب کردید نه اصلاً عنوان غنیمت آن است چون عنوان غنیمت است عنوانی است که عنوان غنیمت ، عنوان غنیمت آن چیزی است که بعد از مؤونه باشد آن ربحی را که در مقابل ، آن وقت برای تسهیل امر چه کار کردند سال قرار دادند روشن شد ؟

والاشما دوروزه روز زحمت کشیدید ربی پیدا کردید خرج آن دوسه روز را بگذارید کنار آن زائدش می شود فاضل المؤمنه می شود غنیمت ، غنیمت شدنش به خروج مؤونه است یعنی هزینه باید خارج بشود مطلق ربح غنیمت نیست ، آن ربی که به ازاء ندارد آن ربی که شما هزینه نکردید به ازاء ندارد یعنی به قول شما سود خالص آن را ما می گوئیم غنیمت آن فاعلموا انما ، آن الخمس بعد المؤمنه دقت کردید ؟ این مطلبی که حالا من چون احتمال دادم عبارت ایشان روشن نباشد .

و هکذا مطلب دیگری که ایشان فرمودند موضوع الزکاة فی الغلات هو بلوغ المال بعد انعقاد الحب عرض کردم انعقاد حب دلیل روشنی ندارد و اصولا متعارف هم نیست انعقاد حب تا وقت چیدن خیلی کار دارد . البته شما خواندید اشتداد الحب ، نشد هم دیشب پیام پایین باز عروه را نگاه بکنم حواشی عروه را نگاه بکنم عرض کردم آن که در روایت حضرت رضا آمده مگر اینکه بگوئیم این روایت حضرت رضا مثلا لسان تقیه است چون حضرت ولیعهد بودند مثلا و این روایت یک امتیازی دارد که از تولیدات قم است ها چون تولید حدیث ما غالبا برای کوفه است این روایت را مرحوم کلینی که در قم بوده از استادش نقل می کند از احمد اشعری که در قم بوده از محمد بن خالد برقی که ایشان هم در قم بود از سعد بن سعد اشعری از اشاعره قم این از روایاتی است که ، این بحث های فهرستی که ما ،

یکی از حضار : متنش چیست ؟

آیت الله مددی : اذا خرس و اذا صرم همین که دیروز خواندیم .

این روایت یکی از مزایایش این است که جزو ، روشن شد ؟ چون حدیث ما غالبا تولیدش برای کوفه است ، حدیث ما تولیدش برای کوفه است به قم آمده ، اما این حدیث عرض کردم ما یک عده از احادیث داریم که اصلا تولیدش برای قم است اصلا تولیدش برای کوفه نیست اصلا کلا این حدیث از امتیازاتش این است که تولیدش کلا برای قم است .

یکی از حضار : بنده خدا رفته بوده

آیت الله مددی : یا مدینه رفته از حضرت پرسیده یا رفته مرو از حضرت پرسیده است ، سعد بن سعد اشعری .

اینها همه قمی هستند چهره ها همه قمی هستند کوفی درشان نیست ، مثل بزنطی ، بزنطی عراقی است بزنطی عن ابی الحسن داریم آن عراقی است اینجا درش عراقی نیست هر چه هست قمی است محمد بن یحیی عن احمد اشعری عن محمد بن خالد البرقی که ایشان هم در قم بوده پدر برقی ، برقی پدر عن سعد بن سعد الاشعری عن الرضا علیه السلام ولذا من احتمال می دهم در حد احتمال که شاید اصولا حدیث شفاهی بوده احمد اول نوشته است . البته محمد بن یحیی نه می گوید عده من اصحابنا از اینکه می گوید عده من اصحابنا از کتاب

احمد است نسخه‌ی مشهور، احتمالا احمد شفاها از محمد بن خالد شنیده آن هم از سعد از حضرت رضا احتمال می‌دهم، احتمال می‌دهم که نوشتارش توسط احمد بوده، احمد در حقیقت در اول این را نوشته است. به هر حال این حدیث را هم یک نکته‌ی تاریخی هم بگوییم این حدیث از مزایایش این است که حدیث قمی است.

آن وقت سوال می‌کند می‌گوید اذاصرم، صرم یعنی قطع یعنی وقتی که گندم رسید دیگر درو کردند قطع صرم یعنی درو کردند بعد از درو نه انعقاد حب که ایشان گفتند متعارف هم نبوده است.

یکی از حضار: ثمره هم دارد انعقاد حب اگر بعدش مشکلی پیش آمد باز آن بنده خدا

آیت الله مددی: بله باید چیز بکند، یعنی فرار مالیاتی نمی‌توانستند بکنند، عرض کردم فرار مالیاتی برای خرس بوده برای انگور و برای خرما

یکی از حضار: اگر مثلا بعدش مزرعه آتش گرفت اگر بگوییم زکات تعلق گرفت یا آفت زد اینقدر باید می‌داد بعد هم ثمره این جواری ایشان قائلند؟

آیت الله مددی: نمی‌دانم شاید ایشان قائل به این باشد اما این خلاف قاعده است نه این باید درو باشد.

یکی از حضار: اگر حاصل نداد چه؟

آیت الله مددی: بله

بعد هم چون مساله‌ی از انعقاد حب بگیری شما مساله‌ی گنجشک و کلاغ و اینها را بگیری، مساله‌ی باران و آفتاب و اینها آخر خیلی کار دارد یکی دو کار نیست خیلی نمی‌خورد و متعارف هم نبوده بیایند نگاه بکنند و بگویند آقا شما زمین تان الان تازه دانه‌ی گندم بسته الان چقدر تخمین بزنم از انعقاد حب بیایم محاسبه بکنم در باب انگور چرا، از همان اوائل که قبل از اینکه غوره بشود از همان اوائل که دیگر سفت شده از همان وقت می‌آمدند نگاه می‌کردند این نکته‌اش این بود اما در باب گندم وقتی درو می‌کردند حساب می‌کردند دقت کردید؟ اذاما صرح و اذاما قطع و اذاما خرس، این اذاما صرم و اذاما خرس اشاره به این است، این مطلب ایشان را من الان نمی‌فهمم.

ولکنه معنون بیلوغه هذا الحد بعد التصفیه، مرادش ایشان بعد از درو کردن و جدا کردن البته این بعد التصفیه حالا این هم بحث دیگری

دارد که آیا مساله‌ی مؤونه چرا؟

فبعد التصفية لو كان بهذا الحد يكشف عن تعلق الزكاة به حين انعقاد الحب، این مطالب ایشان قابل قبول نیست .

وثمره هذا الكشف في باب الخمس والزكاة هي صحة أدائهما قبل تحقق هذا العنوان. این هم روشن نیست یعنی گندم الان بسته می خواهد به فقیه زکاتش را بدهد که بعد که درو کرد و ... این زکات ، عرض کردیم آن که الان فتوا هست قرض می شود به آن بدهد بعد قرضش را زکات حساب بکند دقت کردید ؟ ادا نه . می گوید و ثمره ای این بحث صحة أدائهما قبل تحقق هذا العنوان در زکات فطره هم داریم روایت داریم در زکات فطره روایت داریم که مثلاً وسط ماه می تواند زکات فطره را بدهد

یکی از حضار : ادائاً ؟

آیت الله مددی : ادائاً

یکی از حضار : یعنی قرض نمی خواهد ؟

آیت الله مددی : قرض نمی خواهد ، آقای خوئی هم فتوا می دهد به نظرم آقای سیستانی فتوایشان همین است و این روایت واحده دارد لکن ما عرض کردیم این روایت از کتاب الرحمة ی سعد است منحصر به سعد است ، ما نپذیرفتیم قبولش نکردیم .

لکن من نپذیرفتم روایت سعد گاهی اوقات ۸۰ - ۹۰ درصد فقها اعراض کردند اینجانه شاید مثلاً ۴۰ - ۳۰ درصد فتوا دادند از قدما هم فتوا دادند روایت سعد از آن روایت خیلی شاذش نیست . گاهی اوقات خیلی شاذ است که مشهور اصلاً کلاً ، مشهور که فتوا ندادند گفتند قبل از شب عید نمی شود در باب زکات فطره ،

یکی از حضار : قرض می شود داد .

آیت الله مددی : ها قرض می شود داد قبل از شب عید فطر قبل از رویت فطر قبل از اینکه ثابت بشود عید نمی شود داد اما آقای خوئی معتقدند به همین روایت ، روایت واحده هم هست روایت دیگری ندارد و چون در سندش سعد است و از کتاب الرحمة ، عرض کردم باز کتاب الرحمة هم بعضی هایش یک جوری است که عده ای یعنی این را مشهور فتوا ندادند اما مثلاً ۲۵ - ۲۰ درصد فتوا دادند عده ای فتوا دادند خیلی شاذ شاذ شاذ نیست مثل ای وضوء اطهر من الغسل نیست که آن قدر شاذ باشد ، آن قدر شاذ نیست اما شاذ است به هر حال

یکی از حضار : کلینی آورده ؟

آیت الله مددی : نه فقط شیخ طوسی سعد اگر باشد فقط شیخ طوسی ، سعد بن عبدالله که می تواند زکات فطره را قبل از چیز بدهد .

.....
شاید به نظر آمده نصف ماه ، آخر ماه ، یک چیزی چنین بیستم ماه یک عنوانی دارد که قبل از وقتش به حساب قبل از رؤیت هلال می تواند زکات فطره را بدهد این مطلب ایشان را نداریم ما این مطلب ایشان را به عنوان قرض داریم ما ، این مطلبی که ایشان گفته قبل از ، اولاً انعقاد حب که اصلاً ما نداریم ، یعنی من الان در ذهنم نیست حالا ایشان از کجا انعقاد حب را گفته من نمی دانم ایشان از کجا فرمودند الان در ذهنم نیست آن که در ذهن خودم است بعد از درو است آن که هیچ آن که به جای خودش

یکی از حضار : نمی تواند بگوید مثلاً یک دهم زمین هم که هست برای شما مثلاً به این بنده خدایی که می خواهد زکات بدهد بعد از انعقاد بگوید این برای شما نمی تواند این طوری ؟

آیت الله مددی : نه .

یکی از حضار : باید حتماً درو کند ؟

آیت الله مددی : باید حتماً به حد زکات برسد ، باید وجوب پیدا بکند تا بدهد ، وجوب پیدا نکرده است .

اصلاً در روایت حضرت رضا دقت کنید قلت للرضا متى تجب الزکات ، متى تجب ؟ قال اذا ما صرم و اذا ما خرس ، تعبیرش متى تجب است پس قبل از اینکه صرم بشود قبل از اینکه درو بشود واجب نبوده دقت کردید ؟ در آنجا عین سوال این است قلت للرضا متى تجب الزکات فقال اذا ما ، خوب این خلاف ظاهر مطلبی است که ایشان می گوید صحة ادائهما قبل الـ اصلاً خلاف ظاهر حدیث است .

ولو أتلفهما من تعلقا بماله يحسبان عليه . یعنی این هم ثمره قابل قبول نیست این راجع به کلام ایشان .

وهكذا صحة بيع الزكوي متوقفة على إخراج ... وهكذا في مسألة الركوع ... وفيه: أنه ، مرحوم ، البته ایشان چند تایی دیگر هم گفته مرحوم نائینی هم اشکالش این است إذا كان العنوان اللاحق بمنزلة الصورة والسابق بمنزلة المادة فلا بد من الالتزام بالنقل ، چون تابع صورت است نه تابع ماده تابع صورت نوعیه است ، لأن فعلية الشيء إنما هي بالصورة.

دیگر جواب خودش را مناسب خودش داده است ، خود مطلب باطل است فی نفسه دیگر نمی خواهد دنبال جوابش به یک نحو دیگری بگردیم فرمودند احتمالاً برق برود حرف های ما یک کمی زودتر تمام شد .

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين